

## هیرودوت

هیرودوت را بنابر آنکه واضع اساس او این علم تاریخ است پدر تاریخ میگویند تا امبرده سال ۴۸۴ قبل از میلاد در شهر هلیکارنا سوس واقع آسیای صغیر که در آن وقت تابع دولت فارس بود با عرصه کیتی نهاده در سال ۴۰۶ قبل از میلاد در یکی از شهرهای قدیمه ایران موسوم به هیرودونیا را وداع نمود. بنا بر آن هیرودوت بحکم تابعیت گرچه فارسی دانسته شود ولی چون پدر و مادرش یونانی بوده اند از نقطه نظر اصلیت و نژاد یونانی بشمار میآید.

هیرودوت تا بزمانیکه هلیکارنا سوس از حاکمیت فارس رها نمی یافتند بحکومت یونان مربوط و پیوسته گردید یعنی تا سال ۳۵۰ عمر خود داخل دایره تابعیت فارس بسر میآورد گر بند هیرودوت و وطن داران خود را برای نجات و رهایی یافتن از حاکمیت فارسها مخفیانه تشویق و ترغیب زیادی مینمود.

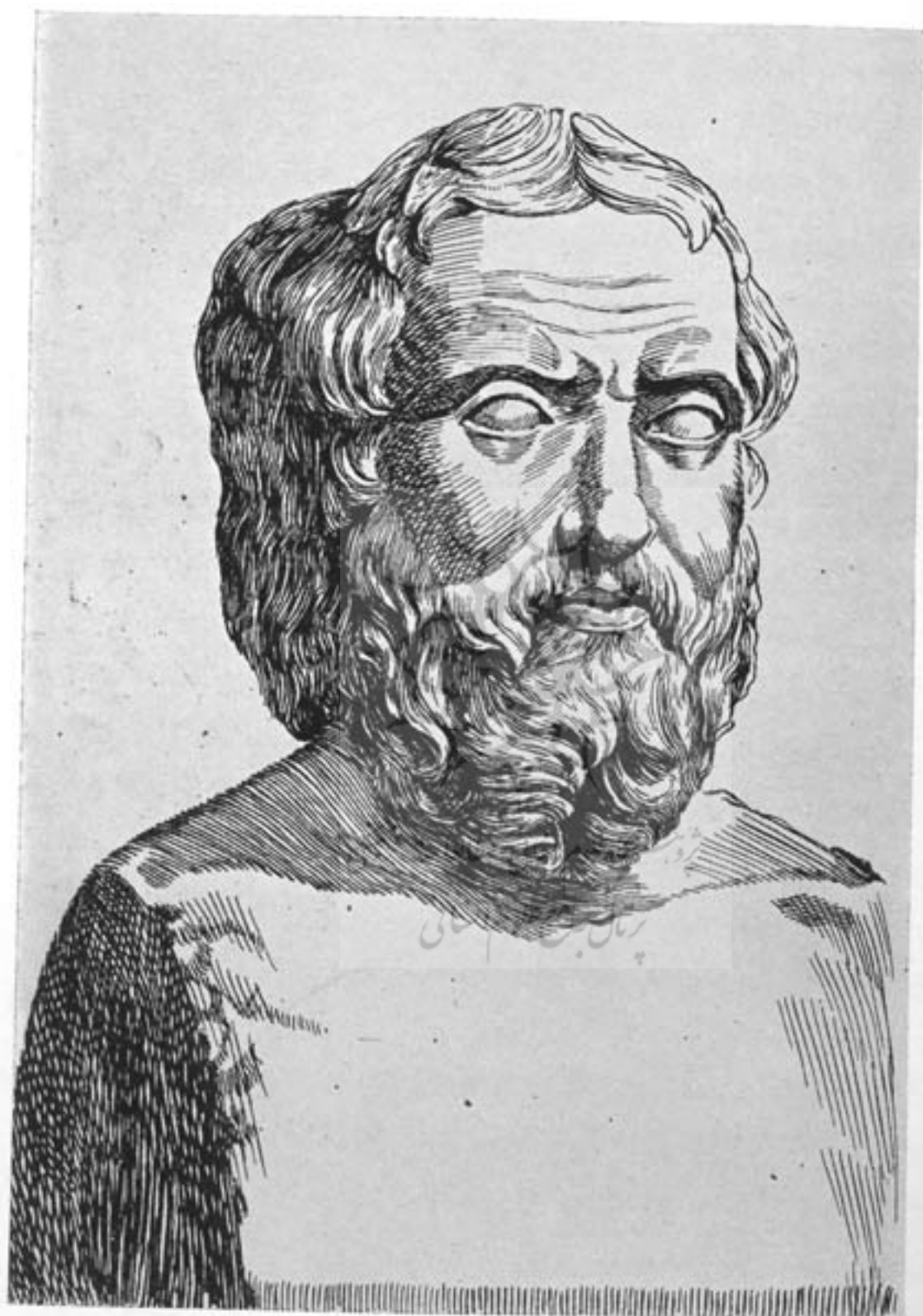
هلیکارنا سوس مسقط الرأس هیرودوت نخست در تحت فرماندهی ملکه (ارتمشیا) یونانی قرار یافته بود ملکه مذکوره عمر زیادی ننموده اما تاریخ وفات او در نزد مورخین پوره معلوم نیست پس از فوت ملکه ارتمشیا پسرش بذلیس که در سال ۴۹۸ قبل از میلاد بدنیامده بود جا بگير او گردید و بعد از چیده شدن بساط سلطنت و حکمرانی بذلیس فرزندش (لجدا میس) بر تخت سلطنت رسیده و هیرودوت در بن وقت بدوره رجولیت داخل گردیده بود.

هیرودوت بیکی از فامیل‌های صاحب‌حسب و نسب یونان منسوب است نام پدرش لکزیس و اسم مادرش دریوو و یگانه برادر او را (تودور) میگفتند که کایش موسوم به بنیازس در شعر و شاعری بدطولائی داشت و در عالم فضل و ادب و فلسفه نیز بیک شخص متین و ثابت قدم بشمار میآید.

بنیازس چون یکی از دشمنان سیاسی اجدامیس بشمار میرفت اجدامیس مجبور گردید که حکم اعدام او را صادر نماید علاوه برین چون هیرودوت را در فکر سیاسی همقطار و شریک کاکایش میدانست بهمین مناسبت از هلیکرناسوس او را تبعید و فرار نمود جمعی دیگر بر آنند که اجرای حکم اعدام بنیازس وسیله گردید که هیرودوت از موطن اصلی خود دوری جستہ جانب یونان مسافرت اختیار نماید این مسافرت در عالم حیات علمی و عرفانی هیرودوت مدخلیت تامی دارد چه در تمهید راه تحصیل و کسب معلومات او سبب اولینی را بوجود آورده است.

تعلیمات هیرودوت تماماً یونانی بوده است مشارالیه نخست به آموختن دستور و قواعد زبان یونانی و تربیه بدنی و موسیقی پرداخته زمانیکه بدان هژدهمین عمر خود بالغ گردید از دوره تحصیل فراغت حاصل نمود سپس بفرافرفتن ادبیات همت گماشته درین رشته بقدری مهارت و بلیاقت بهم رسانید که در نزد زمره علمای و نویسندگان عصر خود بشمار میآید. این وقت بلاد یونان در عالم ادبیات و شعر پیشرفت و ترقیات زیادی نموده هیرودوت نسبت بلیاقت و قابلیت خود درین رشته شهرت زیادی حاصل نمود هیرودوت با ادبیات (بیداری) چندان اظهار علاقه مندی مینمود که بیک ادیب انگلیسی به شعر و ادبیات شکسپیر اظهار مناسبت و علاقه مندی نماید.

هیرودوت بز شعر سربیا و اچیونی و ادبیات هزیودا تون - ماسوس باکس - لزیسراتس - ارشلوکی الکریس - سافوسولون - اسلوب - ارستس سمویندس - فرنکوس - اشلوس و بندارواقفیت بهم رسانیده و او این کسی است که ادبیات هکتوس یکی از کبار ادبای قدیم یونان را تنقید نمود.



تمثال ابوالمورخین هیروdot که در ۴۰۵ قبل المیلاد زیسته  
متعلق مقاله هیروdot شماره اول سال ۵ آئینه



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



مشارالیه عمر خود را تنها بتحصیل علم بسر نیاورد بلکه در بلاد یونان و دول مجاور آن سیاحت نموده بارها جانب آسیای صغیر مسافرت اختیار کرده و جزائر ارمنیل - کرودس قبرس - دیلوس - بیروس - تاشوز - ستمراس - کرید - ساموس و ستر او جینا را نیز گردش و زیارت نمود. و در طی یکی از مسافرت های خود از ساروس تا سوزا یا بتخت قدیمه مملکت فارس مسافرت کرد بابل و ممالک ساحل مغربی بحر سیاه را نیز زیارت و تا رودخانه دنیپر پیشرفت نمود در سفر دیگرش ختیا - تراقیا و جزئیات را که در بلاد بلقان و قوق دارد سیاحت نموده به کشف آثار تبرا موفق گردید و از ساحل فلسطین گذشته غزه را زیارت و مدت زیادی در مملکت مصر توقف نمود. طول مسافتی را که هیرو دوت در طی مسافرت های خود پیموده است به ۱۷۰۰ میل تخمین زده اند هیرو دوت هر گاه بیکی از نقاط دلخواه خود عبور مینمود عادتاً مباحث تاریخیه و معلومات خود را نیز نسبت بآن تدوین و ترتیب داده و در آریوستکی و اتصال مستقیم با ساکنین بلاد مذکور و کنجکاری ها و تدقیقات خویش نسبت بجمع معلومات تاریخی آن سر زمین معرفت بدست میآورد نامبرده این مسافرت ها را در بین سال ۲۰ و ۳۵ عمر خویش بانجام رسانید. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در اثر سیاحت بابل نسبت به طرز اداره و وظایف حکومتی فارس بفرام نمودن معلومات زیادی موفق گردیده سفر مصرش با ایام حربیکه بین مصریان و فارسیهارونیا گردیده بود مصادف گردید مصریان چون از وسعت دائره معلومات و لیاقتش با خبر بودند بکمال اعزاز و اکرام از وی پذیرائی و استقبال نمودند. سپس بطریق ساحل فلسطین و شام و تیرا بجزیره تاشور عودت نمود و از آنجا عازم ساموس گردیده هشت سال در آنجا حیات بسر آورد و ضمناً از چشم دید و تجارب و شنیدگیهای ایام مسافرت بیشتر آثار و تالیفات خویش را تدوین نمود.

در خلال مدت مذکور بانر مساعدت پیش آمده ها و احوالات سیاسی مسقط الراس هیرودوت از حکم شاه لجدا میس فارسی رهائی یافته بخواهش و خواستاری خود

بادولت بونان پیوسته گردید. حتی بعضی از مورخین تشجیع و تحریک اهالی هلیکرناسوس را برای خلاف ورزی و سرکشی نمودن بر علیه شاه فارسی بهیرو دوت منسوب می‌شمارند.

همین وقت است که هیرو دوت را فرصت دستگیری نمود تا باه و لفات و نتیجه تدقیقات و مسافرت‌های طولانی خود جانب هلیکرناسوس عودت نماید تا مه‌برده پس از رسیدن به هلیکرناسوس آثار خود را بطریق شعر غنائی گوشزد همشهریان خویش مینمود و ولی این امر بطبیعت ایشان جاذب نیفتاد و باندازه علم و معرفت هیرو دوت متحس نگریده بطوریکه شاید ازو تقدیر و احترام نمودند و روی همین اساس است که هیرو دوت مسافرت را از اقامت وطن و زبستان و در جائیکه از علم و علماء آ احترام بعمل آید برتر میدانت.

هیرو دوت چون میدانت که شهر آتنه يك كازین علمی و برای اظهار دها و عبقریتش میدان و سبعی میباشد لذا علاوه بر زمین کردیده از ادباء و علماء و فلاسفه آن اعزاز و احترام و پذیرائی شایانی دید و بنا بر آنکه در عالم علم و عرفان و معرفت تاریخ بلاد بونان نائل درخشان علم گردید و حوادث تازه و بخیه را نخستین مرتبه ترتیب و تدوین و در ضمن کتاب گرد آورده بود بارالمان آتنه نیز راجع به اعطای مبلغی که با مسکوکات مروج امر و زمامداری بلد ۲۴۰۰۰ میشود برای او بنام مکافات و تشجیع قراری صادر نمود.

مؤلفات هیرو دوت در نزد علمای آتنه دارای موقعیت و مقام بلندی بوده است حتی تو کو دیدس فیلسوف مشهور بونان زمین هنگام شنیدن بکقطعه تاریخ هیرو دوت که با سلوب شعر غنائی ترتیب شده بود از حسن تنسیق آن بداخل يك شیوه ادبی و برتری مقام بلاغت که در عمق احساسات و عواطف هر شنونده تاثر شدیدی می‌بخشید بی اختیار چشمانش پر آب گردید.

شهر آتنه درین عصر بامر کزبت شامی و عرفانی خود در بین جمله شهرهای عالم مقام

ممتازی را مالک گردیده جمعی از سر برآوردگان علماء و فلاسفه و ادبا و رجال نامی  
حرب و فن و ریاضت در آنجا گرد آمده بودند که از جمله مشاهیر و رجال بانام آن  
یکی توکو دیدس پسر ملسیاس و آسیا شبا و انتیفون موسیقار مشهور بانام و ودامن  
و دفیداس و برتدراس و وزینو و دگرا بنوس و وکراتس و رویدس و رسو فکلس  
بشمار آمده است.

باز هم چون هیرودوت در شهر آتنه مرد غریب و مسافری بود و از جمله اهالی  
اصلی آن بشمار نمیرفت و این امر در تمتع و استفاده از حقوق سیاسی برایش تولید  
اشکالات مینمود بناچار مصلحت در آن دید که جمعی از مستعمرین جانب شهر جدیدی  
که با اسم تیر و نامیده میشد مسافرت اختیار نمایند تا پس از آن بکلی از جنس یونان  
بشمار آمده آنوقت از حقوق سیاسی بدرستی استفاده و تمتع نموده بتوانند.

اینک هیرودوت بقیه حیات خود را در بن جایبان آورده و ضمناً نه جلد  
کتاب مهم تاریخ و معتبرش را پس از اعاده نظر و تنقیحات مهمه و ریختن آن بقالب  
یک اسلوب ممتاز ادبی و لغوی در همین شهر اتمال نمود.

مؤلفات هیرودوت در پوش خود پس از جمله آثار گرانته میشود چه علاوه  
بر داشتن قیمت تاریخی خود با یک شیوه مادی و ممقازی تحریر شده است که هر  
خواننده بقرات آن اظهار دلچسپی و علاقه مندی نموده هر ادیب از آن متلذذ  
و هر عالم و مدقق از آن استفاده اندوخته می تواند هیرودوت اوقات و ایسین  
عمر خود را در شهر تیر و بیابان آورده و در همانجا وفات نمود چنانچه گزارش را  
بیز در آنجا پس از سپری شدن مدت زیادی بر تاریخ و غنائش کشف و دستیاب نموده اند.  
مؤلفات یا بعبارت دیگر آثار قلمی هیرودوت جمله تاریخ عمومی است و یک  
حصه زیاد آنرا برای وصف محاربات یونان و دول همجوار آن و شرح جنگهای  
یونانستان و فارس و ذکر تاریخ فرعونهای مصر تخصیص نموده و مورخین متاخر  
نسبت بتاریخ مصریان قدیم از معلومات او استفاده های زیادی کرده اند هیرودوت



در وصف نهضت دوات فارس بخوبی از عهدۀ سخن برآمده و احوال تطورات و وسعت دایره متصرفات آنرا بیان کرده است. همچنین تاریخ لیدیا، میدیا، آشور و بابابل و تراقیا را شرح داده و راجع به نقاط مذکور معلومات و بیانات وافیه نوشته نسبت باوضاع اهالی، محصولات و احوال جوی (اقلیم) و موفقیت جغرافیائی و آثار قدیمه آن دامنه سخن را بالا برده و سپس در اطراف اوضاع آبروزه یونان شرح و بسط مطولی نموده و بالاخره راجع به نهضت استعماری و اوضاع مستعمرات یونانستان و مقدار پیشرفت و تقدم آن در راه تجارت و علوم و فنون هکذا نسبت به اختلافات داخلی و محاربات يك با دیگر ولایات و حالت مذهبی و قانونی آن نیز سخن رانده است ولی مورخین اظهار عقیده مینمایند که صحت و حقیقت آثار قلمی هیرودوت بنسب بر آنکه بیشتر آنرا از زبان عوام و بیانات شفاهی مردمان گرد و فراهم کرده است چندان قابل اعتماد و اعتبار نیست بعلاوه بعضی از دانشمندان بر قوه ذهنی هیرودوت تنقید نموده و او را خیلی فراموشکار و گرفتار سر پنجهٔ نسبان معرفی و او نموده اند.

هیرودوت چون حوادث را بحالت اولی یعنی همانطوریکه دیده و شنیده است قید نموده راجع بآن عقیده مخصوصی اظهار نمی نماید. در زمره مورخین فیلسوف بشمار نمیرود هیرودوت مورخ ناقص و بجز یک حقیقت و خلاف آنرا در آثارش بحریات شخصی خود فرق بگذارد نبوده و نسبت به اظهار علل و نتایج تاریخ و وقایع طوریکه در نزد مورخین زمان ما معمول است اعتنا نکرده است. شیشرون نسبت به آثار هیرودوت اظهار فکر نموده و درو بهمرفته آنرا شیرین واضح و موثر میگوید. اما ادبای عصر حاضر اسلوب قلمی و کتابت او را چندان قوی، متین، بلیغ و موثر میدانند که دست معا صرینش را از ادراک نقائص آن کوتاه نموده و بیک اسلوب بسیط، طبیعی جاذب، متناسق و عادی تعریف و توصیفش کرده اند.

شده قلمی هیرودوت با اسلوب کتابت و تحریر نویسندگان قرون وسطی از قبیل فرو سارت و فیلیپدی کو منز و غیره مشابهت زیادی میرساند و مولفات او با کثر السنه دنیا



ترجمه شده است. لتبری علامه انگلیس اولین کسی است که در سال ۱۸۳۸ میلادی آنرا بزبان انگلیسی ترجمه نمود سپس موسیو لارشر در سنه ۱۸۸۶ آنرا بزبان فرانسه در آورده فردریک گرنتسک بزبان الهانی نقل داد و اخیراً ما کولی عالم شهیر انگلیس در ۱۸۹۰ میلادی و علامه کارلستات فاصل سویدن نیز آنرا بزبان ملی خود ترجمه نمود خلاصه آثار هیرو دوت رفته رفته با کثر زبانهای زنده دنیا ترجمه گردید.

مورخین و ادباء بخواندن و دریافت مکتوبات آثار هیرو دوت از نقطه نظر تاریخ اعتناء و توجه زیادی بخرچ میرسانند همچنین ادبای جمله ممالک متمدن برای اقتباس طرز بیان و دقت توصیف حوادث و حصول معرفت نسبت با دییات عصر مدنیت یونان قدیم که تاریخ برای اثبات عظمت و بلندی قدر و مکات آن با از بلند گواهی و شهادت میدهد نیز به موافقات هیرو دوت مراجعت و کسب اطلاع نموده اند و قاطبه مورخین دنیا اعتراف مینمایند که هیرو دوت علاوه بر اینکه مورخ اولین جهان است از جمله ادبای کبار و شعرای نامدار یونانستان نیز بشمار آمده و بانی اولین سنگ تهاد علم تاریخ شناخته میشود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال ملی علوم انسانی

در محفل عشق آتش ما سرد است  
گردامن او کشد ز دستم مر د است

هر چند خرد به صنعت خود فرد است  
نقشاش بزور کسک خود می نازد